گزارش یک

محمد اسماعیلی

چرا رهبر معظم انقلاب شکست‌های گذشته غرب علیه ایران را ناظر بر آینده نیز می‌دانند؟

شکست‌هایی به اندازه تمام تاریخ

«بدانید که آنچه امروز دشمنان علیه جمهوری اسلامی به یک صورت و علیه امت اسلامی به یک صورت انجام می‌دهند، نَفَس‌های آخر دشمنی دشمن نسبت به جمهوری اسلامی است. هر چه آنها سخت‌تر بگیرند، اراده ما قوی‌تر خواهد شد، هر چه آنها شدتِ عمل به خرج بدهند، ما قوی‌تر خواهیم شد» این بخشی از سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن در هفته جاری است که اشاره به شکست‌های پیاپی هیئت حاکمه ایالات متحده از زمان پیروزی انقلاب تاکنون دارد و مهم‌ترین بخش از این سخنان آن است که دشمنی‌ها رو به زوال است و کماکان برای غرب نتیجه‌بخش نخواهد بود.

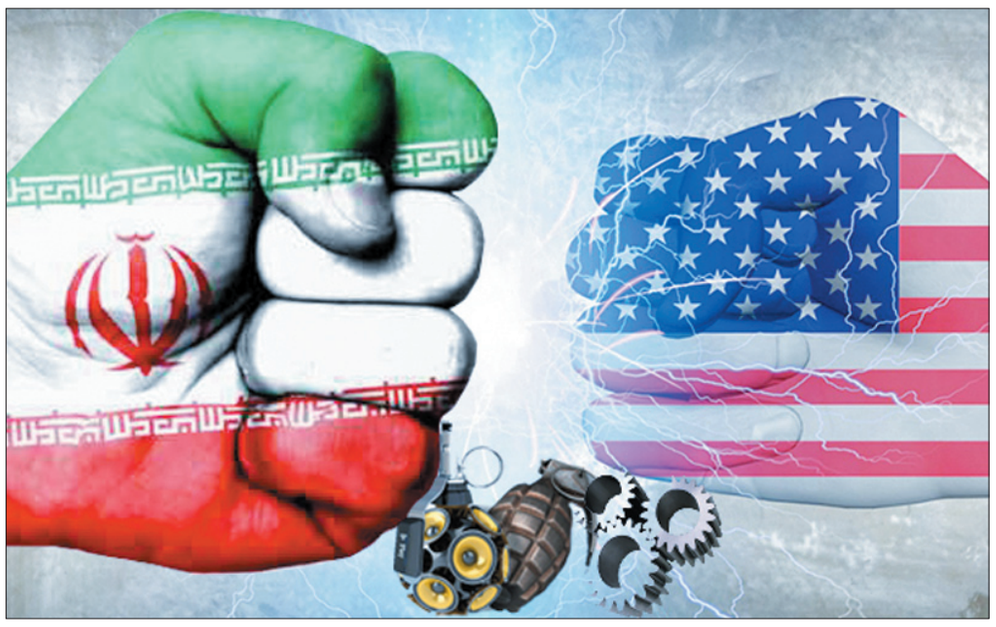

پیشینه دشمنی‌های ضدایرانی حداقل به پیروزی انقلاب اسلامی باز می‌گردد و در تمام دوره‌های ریاست جمهوری امریکا از کارتر، ریگان و واکربوش گرفته تا کلینتون، بوش پسر و اوباما و ترامپ با توطئه‌های گسترده و دامنه‌دار ادامه داشته و عملاً هیچ دستاوردی برای آنها به دنبال نداشته است. تمام سیاستمداران غربی (اعم از امریکا و اروپا) یک هدف مشترک را در برابر جمهوری اسلامی ایران پیگیری می‌کنند و آن فروپاشی نظام اسلامی یا دست‌کم تضعیف قدرت کشور با ایجاد تغییر رفتار ایران در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی است، به همین دلیل است که واژگان به‌کار گرفته شده توسط رؤسای جمهور امریکا در ادوار مختلف درباره ایران مشابه یکدیگر است. «متهم کردن ایران به تروریست‌پروری»، «اتهام دخالت ایران در امور داخلی کشورهای منطقه غرب آسیا»، «نقض قوانین حقوق بشری توسط ایران چه در عرصه داخلی و چه در عرصه بین‌المللی»، «تولید بمب اتم و تهدید بشریت توسط ایران» و «به هم زدن صلح و ثبات و امنیت جهانی» عناصر تکراری سخنرانی‌های ضدایرانی تمام این افراد طی سال‌های گذشته بوده است.

اینکه معظم له در سخنرانی اخیر بیان می‌کنند که تحرکات ضدایرانی غرب همچنان محکوم به شکست است و نفس‌های آخر خود را می‌کشد به این دلیل است که تمام توطئه‌های متفاوت غربی‌ها در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی طی چهار دهه اخیر عملا نتیجه‌ای برای غرب به دنبال نداشته است و هیچ کدام از این توطئه‌ها نتوانسته مانعی در مسیر اقتدار روزافزون جمهوری اسلامی ایجاد کند.

■ شکست‌های غرب از ایران

شکست کودتای ژنرال هایزر امریکایی در آستانه پیروزی انقلاب یکی از تلخ‌ترین شکست‌های امریکا در روزهای منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی و آغازی است برای شکست‌های پیاپی غرب در مواجهه با انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران، کمااینکه بعد از پیروزی انقلاب امریکا این بار سعی کرد با توسل به سفارت خود در تهران توطئه‌های خود علیه نظام را مدیریت کند که متعاقب این توطئه‌ها دانشجویان پیرو خط امام سفارت امریکا در تهران را تسخیر و به عمر این لانه جاسوسی پایان دادند. رمزی کلارک وزیر دادگستری اسبق امریکا می‌نویسد، «برای ۲۵سال، ایران نگهبان و حافظ منافع ما در یکی از مهم‌ترین مناطق جهان یعنی خاورمیانه و خلیج‌فارس بود. ویلیام کولبی (رئیس سیا) بارها به من گفت که گزینش شاه و تحمیل او بر مردم ایران، یکی از پرافتخارترین دستاوردها برای سیاست خارجی امریکا بوده است زیرا شاه به مدت ۲۵سال، خدمات خوبی به ما داد.» امریکا در حمله نظامی به ایران مشهور به «طبس» نیز ناکام می‌ماند و پس از آن نیز در جریان هدایت کودتای نقاب (معروف به نوژه) نیز امریکایی‌ها بار دیگر طعم تلخ شکست را تجربه می‌کنند.

پس از شکست کودتای نقاب، طرح حمله رژیم بعث عراق به ایران روی میز قرار گرفت که به رغم هزینه‌های فراوان اقتصادی، سیاسی و امنیتی که برای غرب و متحدان منطقه‌ای آن به همراه داشت با شکست روبه‌رو شد.

تحریم‌های تسلیحاتی امریکا در سال ۱۳۶۲ و در شرایطی که ایران درگیر جنگ نظامی با عراق بود با هدف تضعیف توان نظامی ایران عملیاتی شد که به عملیات انسداد معروف شد. این عملیات برنامه دیپلماتیک امریکا برای ممانعت از رسیدن تجهیزات نظامی به ایران بود که اجرای آن به عهده ریچارد مورفی، معاون وزیر خارجه امریکا بود و نهایتاً به شکست انجامید.

حمایت و تجهیز و تشکیل گروه‌های تروریستی مانند گروه فرقان، سازمان مجاهدین یا گروهک‌های جدایی‌طلب در منطقه شرق و غرب کشور در طول چهار دهه اخیر نیز از جمله توطئه‌های امریکاست که همیشه به شکست منجر شده است.

■ تحریم جزء لاینفک سیاست‌های ضدایرانی

یکی از ثابت‌ترین سیاست‌های ضدایرانی امریکایی‌ها استفاده از ابزار تحریم علیه جامعه ایرانی بوده است؛ ابزاری که از آغاز انقلاب اسلامی ایران تاکنون و به بهانه‌های مختلف توسط اروپا و امریکایی‌ها به کار گرفته شده است و کماکان این سیاست در دولت ترامپ و با همراهی اروپایی‌ها نیز ادامه دارد؛ سیاستی که همواره محکوم به شکست بوده و در طول دوران دونالد ترامپ نیز بارها به بن بست رسیده است، کمااینکه مهم‌ترین سیاست رئیس‌جمهور فعلی امریکا جهت توسعه تحریم‌ها پیاده‌سازی پروژه تابستان داغ بود که بار دیگر اثبات کرد توطئه‌های ضدایرانی نتیجه‌ای تکراری و مأیوس کننده برای غربی‌ها به دنبال دارد. بعد از روی کارآمدن دونالد ترامپ سیاستی تحت عنوان «ارتباط‌گیری با اقشار متوسط به پایین جامعه ایرانی» برای احیا و پیاده‌سازی ایده‌های عقیم مانده ضدایرانی به کار گرفته شد. در این طرح از دولتمردان و سیاستمداران غربی تا اندیشکده‌های تحقیقاتی و رسانه‌های وابسته به آنها در آن نقش‌پذیری و برای بهبود نتایج این طرح و افزایش قدرت اثرگذاری آن تلاش کرده‌اند؛ گروهی از فعالان سیاسی، رسانه‌ای و مجازی ایران را که سابقه سیاسی آنها مخالفت و حتی معاندت با حاکمیت سیاسی کشور است نیز به کار گرفته شود.

در طرح مورد اشاره اقشار کم‌درآمد و آسیب‌پذیر جامعه با توجه به موقعیت اقتصادی و اجتماعی‌شان مورد هدف قرار گرفته تا نارضایتی‌های اقتصادی حاصل از ناکارآمدی و ناتوانی برخی دستگاه‌ها در جهت تحقق شعارهای انتخاباتی- سیاسی به شورش‌های اجتماعی- سیاسی تبدیل شود. به لحاظ زمانی نیز امریکایی‌ها از مقطعی طرح «تشدید فشار و تحریم به اقشار کم‌بضاعت» را جدی‌تر و به صورت رسمی کلید زدند که در اقدامی مشکوک در اواخر آذرماه سال گذشته چند مقام رسمی در مواضعی هماهنگ از «حذف یارانه بنزین، نان و برخی دیگر از کالاهای اساسی» و «حذف نزدیک به ۲۰میلیون نفر از یارانه‌بگیران» و «افزایش چشمگیر حامل‌های انرژی» در لایحه بودجه سال بعد خبر به میان آوردند. غربی‌ها طی سال‌های گذشته نیز بارها تمرکز اصلی خود را برای تحریک و ترغیب اقشار کم‌درآمد متمرکز کرده‌اند اما از دی ماه سال ۹۶ تاکنون به صورت ویژه و برای جبران شکست‌های چهار دهه گذشته خود چنین پروژه‌ای را هدایت می‌کنند که یکی از دلایل آن ناامیدی از اقشار طبقه مرفه و پردرآمد کشور است (قشری که در فتنه‌های ۷۸ و ۸۸ سرمایه‌گذاری زیادی روی آن جهت ایجاد فتنه در کشور صورت گرفته بود)، چنین طرحی نیز با حجم و کیفیت مورد اشاره به بن‌بست رسیده است و این برآورد را می‌تواند برای غربی‌ها به دنبال داشته باشد که جمهوری اسلامی ایران در برابر محدودیت‌ها، فشارها و تحریم‌های بین‌المللی تغییر رفتار نداده و به تعبیری روئین‌تن است.

مجلس

پیشنهاد عضو هیئت رئیسه مجلس:

بررسی FATF از دستور کار مجمع خارج شود

با توجه به خروج کشورهای اروپایی از برجام و اقدام امریکا در قرار دادن سپاه در لیست گروه‌های تروریستی، باید بررسی لوایح CFT و «پالرمو» از دستور کار مجمع خارج شود.

به گزارش مهر، سیدامیرحسین قاضی‌زاده‌هاشمی عضو هیئت رئیسه مجلس با اشاره به تروریست خواندن سپاه پاسداران توسط امریکا، گفت: دُم خروس غربی‌ها و امریکایی‌ها با قراردادن سپاه پاسداران در لیست گروه‌های تروریستی بیرون زد. وی با بیان اینکه سیاستمداران غرب‌گرای کشور تلاش داشتند تا لوایح چهارگانه FATF را در مجلس، شورای نگهبان و مجمع تشخیص به تصویب برسانند، افزود: در این صورت غرب و امریکا با تعاریفی که خود صلاح می‌دانستند با جمهوری اسلامی برخورد می‌کردند. این کار را امریکا با پاکستان و عربستان نیز انجام داده و با تصویب برخی توافقنامه‌ها آنها را مجبور به باج‌دهی کرده است. عضو هیئت رئیسه مجلس گفت: تعریف اشتباه امریکا از تروریسم با قرار دادن سپاه پاسداران در لیست گروه‌های تروریستی مشخص شد، سپاه پاسداران تنها گروه نظامی بود که علیه داعش مقاومت کرد. قاضی‌زاده‌هاشمی با اشاره به اینکه داعش توسط سازمان ملل متحد تروریست شناخته شده است، اظهار داشت: نباید امریکا و کشورهای غربی، سپاه پاسداران را که تنها مبارز عملی علیه داعش بود در لیست گروه‌های تروریستی قرار می‌دادند. این اقدام امریکا و کشورهای غربی نشان‌دهنده کج‌فهمی آنهاست.

وی تأکید کرد: در واقع دولت ترامپ با این اقدام دست سیاستمداران امریکایی در خصوص حمایت از گروهک‌های تروریستی را رو کرد.

نماینده مردم مشهد در مجلس تصریح کرد: امروز غرب‌گرایانی که به دنبال تصویب لوایح چهارگانه و الحاق به کنوانسیون پالرمو و CFT بودند، باید دریافته باشند که مخالفان این لوایح واقع‌نگر بودند و واقعیت‌های جامعه بین‌المللی را درک کردند اما غرب‌گرایان با توهم و خوش‌بینی نزدیک بود که کشور را در دام غرب بیندازند.

عضو هیئت رئیسه مجلس با اشاره به بررسی لوایح CFT و «پالرمو» در مجمع تشخیص مصلحت نظام، گفت: سیاست مجمع مبنی بر بررسی دقیق و شفاف‌سازی این لوایح کار درستی بود. اگر مجمع در اثر فشارهای غرب‌گرایان این لوایح را به تصویب رسانده بود با توجه به مصوبه جدید امریکا و خروج اروپا از برجام دچار مشکلات فراوانی می‌شدیم.

گزارش ۲ | مهدی پورصفا

یکی از مهم‌ترین اصولی که رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم به آن پرداخته‌اند، بحث جوانگرایی بود که تنها راه‌حل در مقابل نظام جمهوری اسلامی از مشکلات و چالش‌های فعلی است.

دیروز روز ولادت حضرت علی‌اکبر(ع) بود؛ روزی که در نظام جمهوری اسلامی به نام روز جوان نامیده شده است؛ روزی که اغلب با برنامه‌های نمادین سپری می‌شود، بدون آنکه نقش واقعی جوانان در داخل کشور مورد تحلیل دقیق قرار بگیرد.

نگاهی به تاریخ انقلاب اسلامی نشان می‌دهد جوانان یکی از اصلی‌ترین موتورهای محرکه‌های کشور در پیشبرد اهداف کلان بوده‌اند به گونه‌ای که متوسط سن مدیران کشور در اوایل انقلاب اسلامی نزدیک به ۲۵سال بود، با این حال در ادامه روند استفاده از جوانان دچار رکود شد به گونه‌ای که در دولت یازدهم شاهد یکی از پیرترین کابینه‌های نظام جمهوری اسلامی بودیم.

این مسئله سبب شده است تا مقامات ارشد نظام به خصوص مقام معظم رهبری بر ضرورت استفاده از جوانان تأکید کنند. این مسئله به قدری مهم است که گاه ایشان در مجموعه‌های زیرمجموعه خود شخصاً وارد عمل شده و از مدیران عالی رتبه استفاده از جوانان حزب انقلابی را به عنوان یک مطالبه مطرح کرده‌اند.

با این حال شاید یکی از مهم‌ترین اقدامات ایشان اشاره به این مسئله در بیانیه گام دوم انقلاب به عنوان مانفیست اصلی نظام جمهوری اسلامی در پایان ۴۰سالگی است.

ایشان در بیانیه گام دوم می‌فرمایند: با این همه، اینجانب به جوانان عزیزی که آینده کشور، چشم‌انتظار آنهاست صریحاً می‌گویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید می‌شده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است.

در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به‌طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی به شدت بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه‌تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، به شدت ممنوع است، همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به هیچ رو مورد قبول نیست. این سخنان در قالب سیاست‌ها و قوانین، بارها تکرار شده است ولی برای اجرای شایسته آن، چشم امید به شما جوان‌هاست و اگر زمام اداره بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان - که بحمدالله کم نیستند- سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد.

■ کفگیر همه به ته دیگ خورده است

واقعیت این است که مسئله استفاده از جوانان و پیر شدن هرم مدیریتی کشور تبدیل به دغدغه‌ای برای دو حزب اصلی کشور چه اصلاح‌طلبان و چه اصولگرایان شده است. نابسامانی‌های اجرایی کشور ناشی از پیر شدن ساختار مدیریتی کشور سبب شده تا این سؤال به صورت جدی مطرح شود که آیا احزاب سیاسی در این حوزه اقدام به کادرسازی و فراهم کردن زمینه‌ای برای ورود جوانان به حوزه‌های مدیریتی کرده‌اند یا نه؟

با جرئت می‌توان گفت که کفگیر اصلاح‌طلبان نیز به ته دیگ خورده البته این مسئله نیاز به بررسی‌های بیشتر دارد، اما واقعیت این است که خطر فوق را اصلاح‌طلبان به خصوص در حوزه مدیریتی احساس کرده‌اند. شاید یکی از معروف‌ترین اظهارنظرها در این باره سخنان سعید حجاریان در مورد به بن بست خوردن ذخایر فعلی برای پاسخ دادن به پر شدن مناصب باشد. وی با اشاره به انتقادهای موجود در خصوص چینش کابینه روحانی می‌گوید: خود آقای روحانی هم نیرویی بهتر از این وزرای پیشنهادی نداشت، اگر داشت معرفی می‌کرد. مسئله این است که کفگیر به ته دیگ خورده است و نه کسی را باقی گذاشته‌ایم و نه نیرویی تربیت کرده‌ایم. حالا سؤال این است که وضعیت گروه‌های جبهه انقلابی به خصوص در حوزه سیاسی چگونه است. آیا این کفگیر در این سوی میدان نیز به ته دیگ خورده است.

دولت و حزب اعتدال و توسعه نیز با اینکه قول‌های فراوانی در خصوص جوانگرایی داده بود، اما عملا هیچ اقدامی در این حوزه رخ نداد. در طول رقابت‌های انتخاباتی سال ۹۶ بحث جوانگرایی یکی از مهم‌ترین شعارهای دولت مستقر به ریاست حسن روحانی بود. نمی‌توان فراموش کرد که روحانی در شعارهای خود به این نکته اشاره کرد که بحث جوانگرایی و توجه به فعالیت‌های جوانان از مهم‌ترین اهداف وی در انتخابات است. وی در یکی از سخنرانی‌های خود در جریان انتخابات تصریح کرد: من مجدداً قدرت ملی را به این کشور به کمک شما جوانان بازخواهم گرداند و به افراطی گری و خودسری‌ها پایان خواهم داد چراکه ما خواهان اجرای قانون هستیم.

نگاهی به دلایل تأکید بر جوانگرایی از سوی رهبر معظم انقلاب

نیروهای تازه نفس در پیچ و خم بوروکراسی

همچنین توجه به وضعیت اشتغال و اقتصاد جوانان نیز از مهم‌ترین نکاتی بود که در سخنان روحانی مطرح شد، با این حال گذشت چند ماه از انتخابات و تلاش روحانی در این فضا نشان می‌دهد عملکرد وی نتوانسته حتی طرفداران خود را راضی کند. معرفی وزرا و همچنین برخی انتصابات وی در کابینه و پایین نیامدن متوسط سن اعضای کابینه از مهم‌ترین اتفاقاتی بود که نشان داد شعار جوانگرایی روحانی به جایی نرسیده است. عباس عبدی از روزنامه‌نگاران اصلاح‌طلب نیز بعدها در مطلبی با اشاره به این مسئله می‌نویسد: نخستین ایراد مهم این است که سن کابینه به جای کاهش افزایش هم داشته است. چرا کابینه جوان نشد؟ تقریباً اتفاق‌نظر بود که میانگین سن کابینه بالاست و باید کاهش یابد. در این مورد قول و قرارهای زیادی هم داده شد ولی در عمل هیچ اتفاق مثبتی جز اضافه شدن یک وزیر متولد دهه ۱۳۶۰ رخ نداد. تازه یکی از بیشترین مخالفت‌ها نیز با همین وزیر پیشنهادی است!

اضافه شدن برخی مشاوران و مدیران جوان نیز اغلب با اعتراضاتی همراه شد که واضح‌ترین نمونه آن انتصاب مشاور جوان وزیر کار و رفاه بود که در نهایت با نارضایتی شخص روحانی منتفی شد.

■ جریان انقلابی پیشرو باشد

به نظر می‌رسد این وضعیت در جریان اصولگرایی هم با کمی شدت و ضعف جاری است. یکی از بخش‌هایی که باید بتواند مورد توجه جبهه انقلاب قرار بگیرد استفاده از نیروهای جوان در ساختار احزاب و گروه‌های جبهه انقلاب است. در حقیقت در سایه بی‌توجهی روزافزون مردم به دسته بندی‌های مرسوم سیاسی باید فضای جدیدی بر فعالیت جوانان در حوزه سیاسی فراهم شود.

حضور جوانان انقلابی در این حوزه می‌تواند علاوه بر دمیدن روح تازه‌ای از نشاط و حرکت در جمع فعالان سیاسی به ایجاد یک جریان جدید برای حضور نخبگان جوان در عرصه مدیریتی کشور ختم شود. این حرکت علاوه بر برانگیختن امید در سطح جامعه به ارتقای کلی فضای رقابت‌های سیاسی منجر می‌شود. انتخابات مجلس شورای اسلامی که قرار است در اسفندماه سال جاری برگزار شود، فرصت مناسبی برای به میان آوردن جوانان به خصوص چهره‌های جدید است. این مسئله زمانی اهمیت پیدا می‌کند که نگاهی به خواسته‌های مردم نشان می‌دهد، حضور مدیران و چهره‌های جوان جزو خواسته‌های اصلی مردم نیز است. در هر صورت تأکید بر جوانگرایی نکته‌ای است که رهبر انقلاب اسلامی آن را به عنوان یک راهبرد مطرح کرده‌اند و در عمل نیز رسیدن به اهداف بزرگ نظام دقیقاً از همین مسیر می‌گذرد؛ مسیری که شاید در ابتدا ورود به آن سخت باشد اما با فتوحات فراوانی همراه خواهد بود.

دنیای مجازی

■ دنیا در سوگ نوتردام؟!

یکی از کاربران توئیتر در صفحه خود با انتشار عکس روزنامه آفتاب یزد که تیتر یک خود را به حادثه کلیسای نوتردام اختصاص داده و تیتر «دنیا در سوگ نوتردام» را برای آن اختصاص داده، واکنش نشان داده و نوشته است: «دنیا در سوگ نوتردام؟ وقتی خون که هیچ، سوختن ساختمانی در پَغی، از کشته شدن روزانه صدها خاورمیانه‌ای، مهم‌تر است! بله! ما فکر می‌کنیم به زور در خاورمیانه مانده‌ایم، جایگاه‌مان جایی میان میلان و پاریس و مونیخ است. همدردی‌های‌مان هم برای آنهاست!»

■ بی‌تفاوتی وزیر صنعت و رنج مردم

حسینعلی حاجی‌دلیگانی نماینده مجلس در صفحه توئیتر خود نوشت: «بی‌تفاوتی وزیر صنعت، بیش از گرانی مردم را اذیت می‌کند. تنها نسخه تجویزی وزارتخانه نظاره‌گری و رها کردن بازار است.»

■ در بحران‌های بزرگ‌تر زخم‌های کاری‌تر خواهند زد

مهدی محمدی در واکنش به مسدود شدن صفحات مجازی منسوب به فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در شبکه اجتماعی اینستاگرام خود نوشت: «مسدود شدن صفحات اینستاگرام مرتبط با سپاه علامت روشنی از ماهیت کاملاً امنیتی و ایدئولوژیک این شبکه اجتماعی است. زمان آن است که درباره تسخیر زیرساخت افکار عمومی کشور توسط این پلتفرم‌ها تصمیم‌گیری اساسی شود. در بحران‌های بزرگ‌تر، زخم‌های کاری‌تر خواهند زد.»

گفتنی است از صبح دیروز همزمان با اجرایی شدن اقدام خصمانه امریکا علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی صفحات برخی از فرماندهان سپاه از جمله سردار قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران، سردار جعفری فرمانده کل سپاه و سردار کمالی رئیس اداره سرمایه انسانی سرباز ستاد کل نیروهای مسلح توسط اینستاگرام مسدود شده است.

■ پادگان اشرف و انتفاضه شعبانیه

کانال تگرامی دلنوشته‌های یک عراقی با انتشار تصاویری از پادگان سابق اشرف نوشت: این روزها نام پادگان اشرف یادآور مشارکت منافقین در سرکوب انتفاضه شعبانیه مردم عراق است. ۲۸ سال پیش مانند چنین روزهایی انتفاضه شعبانیه در استان‌های وسط و جنوب عراق شکل گرفت و نزدیک بود پایان رژیم صدام در آن روزها رقم بخورد ولی حمایت امریکا و منافقین از صدام باعث شده تا این انتفاضه به شکل بسیار وحشتناکی قمع و سرکوب شود. سال‌ها از آن روزهای تاریک می‌گذرد و اراده خدای متعال بر آن شد تا امروز پادگان منافقین معروف به پادگان اشرف به یک پادگان آموزش و تربیت جوانان انقلابی عراق جهت حمایت از عتبات و مردم عراق و مرزها تبدیل شود. هم اکنون این پادگان به نام شهید ابو منتظر محمداوی از فرماندهان سپاه بدر مزین شده است.

■ از پرنسس رانیا تا حشدالشعبی

مسعود یارضوی از فعالان رسانه در کانال تلگرامی خود نوشت:

خب می‌دانید، من از روز اول زلزله بم تا مدت‌ها در محل حادثه بودم.

آن روزهای دولت اصلاحات نیز اگرچه تحریم بودیم و «محور شرارت» هم بودیم ولی به هر روی تعدادی از گروه‌های امداد غربی به شهر بم آمده بودند.

کارهایشان را از نزدیک می‌دیدم...

روزی یک یا نهایت دو عملیات امدادی و بعد هم استراحت تا روز بعد.

نمی‌خواهم بگویم کاری نمی‌کردند ولی راستش این بود که از جنس خودمان نبودند.

نه می‌فهمیدی دقیقاً دارند چه کار می‌کنند، نه می‌شد کاری را بهشان سپرد و نه ما فهمیدیم که کدام کار مهم را به آخر رساندند؟!

در قبرستان بم کار با طلبه‌ها و بسیجی‌ها بود. توی شهر هم بیشتر گروه‌های مردمی و هلال احمر و نظامی‌ها و دانشجوها مشغول خارج کردن اجساد بودند؛ کاری که البته آن هم از نظر من قسمت‌های سختش تمام نشد تا اینکه تیم‌های تفحص سردار باقرزاده رسیدند.

ماجرای انتقال آوار شهر به بیرون نیز دست آخر دست مدیران دولت اصلاحات را بوسید و به هر زحمتی بود بعد از چند ماه توانستند آوارها را از شهر خارج کنند. (یعنی حتی در این بخش ساده هم اسمی از گروه‌های امداد خارجی نبود).

دقت کنید! یعنی در هیچ کجای این تمام شدن‌ها و تعیین تکلیف‌ها که لازمه مدیریت بحران بود؛ ردّ پای گروه‌های خارجی را نمی‌دیدی.

حتی اطلاعاتی هم که بعد از حضور این گروه‌های امداد خارجی درز کرد، بیشتر نشان داد که امداد و نجات، شاید فقط یک روی ماجرا بوده است.

از شوآف حضور پرنسس رانیا (ملکه اردن) تا ورود چندصد جاسوس به کشور در لوای گروه‌های امدادی و ایجاد مهدکودک‌های عجیب و غریب در چادرهای امدادی!

خلاصه این روزها که بچه‌های حشدالشعبی و النجبا و فاطمیون در مناطق سیلاب زده ایران حضور یافته‌اند و کمک می‌کنند و در جریان کارهایشان هستم، حس دیگری دارم...

اینها از جنس خودمانند، مثل جهادی‌ها بیل می‌زنند، می‌شود یک منطقه را به دستشان سپرد و جالب اینکه انتظاری هم ندارند و کمک‌هایشان مثل کمک‌های امریکا و اروپا منوط به چیزی نیست.

این بچه‌ها منفعتی از جاسوسی از ما نمی‌برند، شبه‌نظامی هم اگر هستند، تفنگ و پرچمشان را خودمان بهشان داده‌ایم نه کس دیگر! و از همه مهم‌تر اینکه ملکه و پرنسس ندارند که مطمئن باشی برای شوآف آمده!

و شوآفی هم اگر داشته باشند برای خدمت بیشتر به نظام جمهوری اسلامی ایران است نه به دربار اردن و پارلمان اروپا و یونیسف.

گزیده خبر

سخنگوی سپاه:

اظهارات قاسمی درباره بوسنی فاقد اعتبار است و مورد تأیید سپاه نیست

سردار رمضان شریف در واکنش به ویدئویی منتشر شده از سعید قاسمی در خصوص بوسنی، تأکید کرد: اظهارات وی شخصی و فاقد اعتبار بوده و مورد تأیید سپاه نیست.

به گزارش فارس، در پی انتشار ویدئویی اینترنتی از سعید قاسمی یکی از بازنشستگان سپاه درباره استفاده از پوشش هلال احمر در جریان جنگ بوسنی و متعاقباً واکنش جمعیت هلال احمر کشور و برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، سردار رمضان شریف سخنگو و مسئول روابط عمومی کل سپاه اظهار داشت: اظهارات آقای سعید قاسمی که مدتی داوطلبانه در بوسنی حضور داشته‌اند و سال‌های زیادی هم از بازنشستگی ایشان می‌گذرد، دیدگاهی شخصی و فاقد اعتبار بوده و مورد تأیید سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم نیست.

وی افزود: مواضع و کارکردهای سپاه در عرصه‌های مختلف تابع منطق و منطبق با قوانین و مقررات بوده و اقدامات امدادی سپاه به مردم مسلمان بوسنی نیز از این قاعده تبعیت کرده است.

سردار شریف همچنین با اشاره به تلاش امریکایی‌ها برای قلب واقعیات و وارونه جلوه دادن اقدامات سپاه در حوزه‌های مختلف تصریح کرد: تجربه نشان داده است مستنداتی که امریکایی‌ها برای واقعیت‌سازی‌های موردنظر خود ارائه می‌کنند فاقد وجاهت و اعتبار بوده و باید با تردید و هوشمندی با آن برخورد شود.

وی در پایان با یادآوری اینکه این گونه اظهارات از آقای سعید قاسمی مسبوق به سابقه بوده و مسئولیت اظهارات اخیر بر عهده وی است، گفت: در عین حال تأکید می‌کنیم ایشان و برخی افراد که از سازمان سپاه بازنشسته یا به گونه‌ای جدا شده‌اند، از اظهارنظرهای غیرمسئولانه و خلاف واقع پرهیز نموده و برای دشمنان انقلاب و ملت ایران تولید بهانه و دستاویز نکنند.